

۴۲ مردی با چشمان حادثه‌ساز



محمد پالوری / روزنامه نگار

در ایوان تکیه، ریش سفیدی‌های مرادآباد دور هم نشسته بودند تا یکی از مردان آبادی را برای اجرای نقش شمر ذی الجوشن در نظر بگیرند و سراغش بروند تا راضی اش کنند چنین نقشی را در هفته معروف به هفته «شمر کشون» برعهده بگیرد. آنها تاکنون به سراغ چندین نفر رفته بودند تا لباس سرخ شمر را بپوشد و مدت یک هفته سوار بر اسب تزئین شده در کوچه و خیابان‌های آبادی گشت بزنند تا طی مراسمی که هر سال در میدان اصلی آبادی اجرا می‌شد، برنامه «شمر کشون» را به نمایش بگذارند.

کدخدای سالخورده که چند روزی از عروسی اش با کلفت جوانش زلیخا می‌گذشت، با برق رضایتی در چشم‌هایش، نگاه پرنشاطش را بر چهره مردان پیر گرداند و گفت: آقایان محترم سه روز بیشتر تا شروع هفته مراسم نمانده ولی هرچه گشته‌ایم تا یکی را راضی کنیم لباس شمر بپوشد، کسی تن نداده و بهانه آورده که حاضر نیست عمری تف و لعن مردم آبادی را به جان بخرد و اهل و عیالش را بدنام کند. حیف، آن درشکه‌چی یک عمر هر سال نقش شمر را برعهده داشت و با فوت‌اش فکرش را هم نمی‌کردیم که گرفتار چنین مشکلی می‌شویم. حالا می‌خواهیم ببینیم نظر آقایان چی هست. آیا کسی را برای هفته شمرکشون در نظر گرفته‌اند؟ یا مصیبت‌مان همچنان به‌جاست؟ از میان شش ریش سفید جمع تنها عطاری‌اشی خبر امیدوارکننده‌ای در جمع داشت. باد در غیغب شل و آویخته‌اش انداخت، با تکیه به دیوار ایوان، طبل شکم برآمده‌اش با نفس عمیقی، چنان ورم کرد که با فشاری دکمه‌های روی شکم را از جا پراند. او کت گله گشاد و چرب و چیلی اش را که بوی گیاهان صحرایی داشت روی شکمش آورد و گفت: آقایان من کسی را پیدا کرده‌ام که حاضر شده لباس شمر به تن کند اما به یک شرط. مردان پیر با خرسندی، چشمان پراسانشان را به او برگرداندند و کدخدا پرسید: کی هست؟ شمرش چی هست؟

عطار باشی گفت: همین دیروز بود که این مرد را پیدا کردم. حتماً رضی خرکچی را می‌شناسید. - میرزا صالح، دکانویس پیر که تسبیح ریزدانه شاه‌مقصودی را لای انگشتان حناسته‌اش می‌گرداند پرسید: - رضی خرکچی کی باشد؟ عطار باشی هیکل قریه و سنگینش را جابه‌جا کرد و با رضامندی جواب داد: - نمی‌دانید چقدر برایش زبان ریخته‌م و وعده دادم تا حاضر به قبول شد و گفت به یک شرط. پرسیدم چه شرطی ؟ جوابم داد: - من به‌جای اینکه سوار بر اسب مخصوص «تکیه» باشم، باید سوار خرک به قاطرم شوم و با همین خرک در آبادی گشت بزنم و در مراسم میدان اصلی هم حاضر شوم.

میرزا صالح طاع‌بین با شنیدن این شرط چرخش تسبیح شاه‌مقصود را در میان انگشتان سرخ‌اش تندتر کرد و با تعجب پرسید:

- چمر خرسوار؟ چطور ممکنه حاجی؟ عطار باشی جواب داد:

- حالا به این شرط ایشاد انگیرید میرزا، مهم این است که راضی شده نقش شمر را داشته باشد. تازه میشه راضی اش کرد سوار اسب اش کنیم.

کدخدا که از شنیدن خبر پیدا شدن یک داوطلب شمر برق خرسندی در چشماش می‌درخشید با هیجان خاص رویه رار پیل گفت:

شمر خرسوار خوبست حاجی، منظور این است شمر ذی الجوشن ملعون را مسخره کنیم! بعد با اشتیاق به عطار باشی رو گرداند و پرسید: - این رضی خرکچی کجاست؟ عطار باشی بادی به غیغب‌اش انداخت و با حالت ظفرمندان‌ای جواب داد: این رضی خان از نظر ریخت و هیکل مناسب نقش شمر است آقایون یعنی طینت وی‌بی رحمی شمر حرامزاده را نشون میده. صورت کنده، سیاه با هیکل خپله‌اش مناسب نقش شمر است. بچه‌ها شب‌ها خوابش را ببینند و وحشت می‌کنند. کدخدا پرسید: این هیولا چکاره است؟

عطار باشی جواب داد: این مرد کارش این بود که می‌رفت شهر، خرده ریزهایی مثل کش و جوراب و زینت آلات زنانه و سرخاب و سفیدآب، وسمه واینچور چیزها بار الاغش می‌کرد و تو کوچه‌های می‌گشت. هفته‌ای یک روز پیدایش می‌شد که زن‌ها و دخترا هوزش را می‌دانستند و با عریذه‌ای که برای مطاع‌اش تو کوچه‌ها سر می‌داد خانم‌ها از خونه‌های می‌ریختند بیرون تا چیزهایی را که هفته پیش سفارش داده بودند بخرند. اما از روزی که سگ‌های هار پیدایشان شده کارش کساد شده حالا تصمیم آقایان درباره این مرد چی هست. قبول می‌کنید برای نقش شمر ملعون انتخابش کنیم کدخدا نگاه پراسانش را چهره به چهره حاضران گرداند و همگی رضایت به انتخاب او دادند و عطاری‌اشی مأموریت یافت با این شمر انتخابی وارد گفت‌وگو شود...

■ ادامه دارد

کارآگاه‌هوشمندالگوی پلیس معاصر

سر هنگ غلامحسین بیابانی

استاد تیار گروش کشف جرمایم دانشگاه علوم انتظامی امین

بی‌تردید آنچه از آن سازمان‌هایی است که با هوشمندی اداره می‌شوند و شرط موفقیت این سازمان‌ها به وجود مدیران هوشمند بستگی دارد. هوشمندی در پلیس آگاهی سابقه دیرینه دارد به گونه‌ای که از زمان تأسیس تاکنون هوشمندترین کارآگاهان را جذب و تربیت کرده و همین امر باعث اعتماد جامعه نسبت به این سازمان شده‌است. درپلیس آگاهی امروز سیستم‌های هوشمند اطلاعاتی یکپارچه و تجهیزات مدرن کشف جرم نشان از تغییرات روبنایی و زیربنایی این سازمان دارد، زیرا این هوشمندی دوطرفه‌ است. از یک طرف هوشمندی پلیس آگاهی می‌تواند به کارآگاهان منتقل شود و از طرفی هوشمندی کارآگاهان نیز باعث سرآمدی این سازمان می‌شود. امروزه با توجه به جرایم نوظهور و ناشناخته تعریف کارآگاه هوشمند هم متفاوت از گذشته خواهد بود. در گذشته به شخصی کارآگاه گفته می‌شد که وظیفه تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات در راستای کشف جرم را داشت. اما امروز کارآگاه به کسی گفته می‌شود که وقتی وارد صحنه جرم شد بتواند با صحنه حرف بزند و از آنچه در محل وقوع جرم می‌بیند جواب‌هایش را پیدا کند. این تعریف مستلزم این است که یک کارآگاه با مجموعه‌ای از ابزار، امکانات، داده‌ها، تجهیزات و آزمایشگاه‌ها به‌صورت بر خط‌آنلاین) در ارتباط باشد و در این صورت است که می‌تواند قدرت پیش‌بینی جرایم، تجزیه وتحلیل جرایم و جرم‌کاوی داشته باشد. کارآگاه هوشمند، واقعیت‌ها و نشانه‌ها را چون دانه‌های یک تسبیح به نخ می‌کشد و از رد پای کمرنگ رخداده‌ها، به مقصد یعنی کشف واقعیت می‌رسد. کارآگاهی که ذهن بیداری برای طرح سؤال و واقعیت‌های پیرامون خود ندارد، نمی‌تواند جامعه کارآگاهی بر تن کند و قدم در راه کشف واقعیت بگذارد. هوش شنیداری، بصری و هنجانی یک کارآگاه باید به گونه‌ای باشد که یک داستان مبهم و سردرگم را با خرد پرسشگر خود، به داستانی شگفت انگیز از کشف معماهای غیرقابل حل تبدیل نماید. کارآگاه‌سنتی بیشتر از تجارب خود استفاده می‌کند حال آنکه ارتباط تحقیقات جنایی با منابع علمی یک مسئله‌انکارناپذیر است، اگرچه در برخی مواقع روش‌های علمی در نتیجه ابتکارات و تجربیات کارآگاهان به ثمر می‌رسد اما باید دانست که این امر لازمه استفاده از روش‌های صحیح تحقیقات است.

نزدیک به سه دهه است که هوشمندی در پلیس آگاهی آغاز شده‌است و این پلیس برای تجزیه وتحلیل داده‌ها از تکنیک آنالیز استفاده می‌کند و داده‌های به‌دست آمده در بانک‌های اطلاعاتی هوشمند ثبت و در سوابق نگهداری می‌شود و کارآگاهان این اختیار را دارند که در تصمیم‌گیری‌های قانونی از آن استفاده کنند.

در این میان برخی معتقدند که استفاده از دستگاه‌های هوشمند، پارادایم علمی در این زمینه را حل کرده‌است، زیرا پلیس هوشمند به‌صورت کلان و کارآگاه هوشمند به‌عنوان الگوی پلیسی معاصر در طول سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری متحول شده‌است. چشم‌انداز نظام کارآگاهی هوشمند یک چارچوب پایدار برای پلیس آگاهی است که به‌طور مؤثری بر همکاری منسجم بین پلیس و جامعه و سطح ملی، محلی و منطقه‌ای تأکید دارد.

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۹
 سال بیست و ششم
 شماره ۷۴۶۹

هدیه تولدی که

به زندان ختم شد

گروه حوادث/ مردی که متهم است پس از قتل پسر جوانی تلفنش را سرقت کرده و به همسرش هدیه داده است برای دومین بار محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، متهم پیش از این جلسه دادگاه یکبار هم در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به قصاص محکوم شد، اما با اعتراض او و نظر دیوان عالی کشور حکمش نقض شد چرا که متهم در هیچ مرحله از دادرسی به قتل پسر جوان اعتراف نکرده است.

رسیدگی به این پرونده از بهمن سال ۹۵ با گزارش کشف یک جسد در اتوبان خرازی آغاز شد. پس از آن مأموران بلافاصله به محل اعلام شده رفتند و معلوم شد که بر جسد متعلق به پسر ۳۰ ساله است که بر اثر خفگی فوت کرده‌است.

همزمان با شروع تحقیقات مردی به اداره پلیس رفت و خبر از ناپدید شدن پسرش داد. از آنجا که مشخصات جسد کشف شده با مشخصات پسر او مطابقت داشت این مرد برای شناسایی پسرش به پزشکی قانونی رفت و پس از دیدن جسد تأیید کرد که قربانی پسرش است.

تحقیقات ادامه داشت تا اینکه پس از گذشت ۸ ماه مشخص شد موبایل مقتول که در زمان جنایت به سرقت رفته بود فعال شده‌است، مأموران در جریان بررسی‌های

گروه حوادث/ دو موتورسوار که

بعد از سرقت تلفن همراه یک زن در حال فرار بودند، با چند خودرو تصادف کردند که منجر به مرگ یکی از آنها شد.به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، از مدتی قبل افزایش سرقت‌های سریالی گوشی تلفن همراه در محدوده شمال تهران به مأموران پلیس اعلام شد. شاهی‌ها که همگی زنان تنها بودند، اظهار داشتند درحالی که در خیابان‌های خلوت در حال عبور بودند، از سوی دو موتورسوار، هدف سرقت قرار گرفته‌اند.

فرار مرکبار

در حالی که بررسی‌ها برای دستگیری سارقان موتورسوار ادامه داشت، در یکی از خیابان‌های شمال تهران دو موتورسوار که با سرعت در حال حرکت بودند ناگهان تعادل شان را از دست داده و با خودروهای عبوری تصادف کردند.

یکی از آنها که به‌شدت مصدوم شده بود قبل از رسیدن اورژانس جان باخت.

به دنبال اعلام گزارش تصادف مرکبار، مأموران پلیس و اورژانس بلافاصله راهی محل شدند. در حالی که دستور انتقال جسد پسر جوان به پزشکی قانونی صادر شده بود، ناگهان رنگ گوشی تلفن همراهی که در جیب او بود به صدا درآمد.

مأموران با این تصور که یکی از

تخصصی به زن جوانی رسیدند که موبایل مقتول را در اختیار داشت. او دستگیر شد اما در اظهاراتش مدعی شد که تلفن همراه را از همسرش محمود به‌عنوان هدیه تولد گرفته‌است.

این اظهارات موجب شد تا شوهر این زن که در غرب تهران مسافرکشی می‌کرد دستگیر شود. بررسی پلیس ثابت می‌کرد که محمود روز حادثه در خیابان محل سکونت مقتول حضور داشته و چند ساعت بعد هم گوشی مقتول در محدوده شهرک اکباتان خاموش شده بود که ردزنی‌ها و بررسی دوربین‌های مداربسته مشخص کرد مردمسافرکش در همان ساعت در آن منطقه بوده‌است.

با این حال متهم از همان ابتدا منکر هرگونه اتهامی شد و به مأموران گفت: من اصلاً مقتول را نمی‌شناسم، من سال‌هاست در غرب تهران مسافرکشی می‌کنم و اکثر شب‌ها هم در ماشین خودم می‌خوابم. یک روز در حال تمیز کردن ماشینم بودم که یکدفعه زیر صندلی ماشینم یک گوشی

سیم‌کارت داخلش نبود و من هم با این خیال که گوشی متعلق به یکی از مسافرانم بوده، آن را خاموش کردم و بعد از چند ماه وقتی دیدم صاحبش پیدا نشد آن را به همسرم هدیه دادم اما از بخت بدم همه شواهد علیه من بود. این در حالی بود که

پدر و مادر مقتول برای متهم درخواست قصاص کردند.

با این حال کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. اما متهم با رد اتهام قتل گفت: من هیچ قتلی مرتکب نشدم و بی‌گناه در بازداشت هستم. گوشی تلفن همراه مقتول را در ماشینم پیدا کردم.

با این حال متهم به قصاص محکوم شد اما به حکم صادره اعتراض کرد و بوده، آن را خاموش کردم و بعد از چند ماه وقتی دیدم صاحبش پیدا نشد آن را به همسرم هدیه دادم اما از بخت بدم همه شواهد علیه من بود. این در حالی بود که

گفت‌وگو با متهم

■ چرا سرقت می‌کردی؟

به خاطر هیجان و البته وسوسه دوستان ناباب. من موتورساز حرفه‌ای هستم و در آدم‌دم هم خوب‌ است. یک سال قبل در یکی از بوستان‌های جنوبی تهران با پرویز آشنا شدم. همان همدستم که موقع فرار در تصادف فوت کرد. پرویز موتورسوار حرفه‌ای بود. وقتی فهمید در کار تعمیر موتور هستم از من خواست موتورش را دستکاری کنم تا سرعتش بیشتر شود. می‌گفت در کار سرقت گوشی و خانه است و باید سرعت موتورش بالا باشد تا بتواند سریع فرار کند.

■ تو چرا با او همدست شدی؟

وقتی از سرقت‌هایشان گفت من هم وسوسه شدم با او در گوشی‌قایی همدستی کنم.برایم خیلی هیجان‌انگیز بود.

■ معمولاً چند وقت یکبار این کار را انجام می‌دادید؟

بستگی داشت؛ این اواخر سرقت‌هایمان خیلی بیشتر شده بود. چون به‌راحتی فرار می‌کردیم، وسوسه شده بودیم ادامه دهیم، می‌خواستیم در سرقت‌ها رکورد بزنیم.

■ دسته‌کلیدها مال کجا بود؟

برای سرقت از خانه‌ها بود. معمولاً با خودمان می‌آوردیم تا اگر مورد خوبی دیدیم و سوزو‌ای پیدا کردیم، از خانه‌ها نیز سرقت کنیم.



دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت و متهم بار دیگر محاکمه شد و با تکرار ادعاهای قبلی اش عنوان کرد: من مسافرکشم قاتل نیستم. مدت‌هاست در زندان هستم در حالی که گناهی مرتکب نشدم.

وکیل مدافع متهم نیز گفت: موکل من شرایط بسیار سختی دارد او مدت‌هاست در زندان است و از ابتدای پرونده نیز قتل را انکار کرده به‌جز گوشی هیچ مدرکی برای رد اظهارات موکل من وجود ندارد. بنابراین درخواست برائت موکل را دارم.

با پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

editorial@irannewspaper.ir

تلفن گروه حوادث: ۸۸۷۶۱۶۲۱ – ۰۲۱

تصادف ساختگی

برای قتل همسر و فرزند

گروه حوادث/ مرد جنایتکار در حالی که همسر و فرزند خردسالش در خودرو بودند، در اقدامی جنون‌آمیز خودرو را به دره انداخت و باعث مرگ آنها شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل خبر سقوط یک خودرو پیکان به دره در یکی از روستاهای بخش لوداب شهرستان بویراحمد به پلیس اعلام شد. در بررسی مأموران مشخص شد که یک دستگاه خودرو پیکان به دلایل نامعلومی از جاده منحرف و واژگون شده و در این حادثه هر دوسرنشین خودرو که یک زن و فرزند خردسالش بودند، در دم جان باخته‌اند. راننده خودرو که همسر این زن بود، مدعی شد خودرو به علت نداشتن ترمز واژگون شده و او توانسته خودش را به بیرون بیندازد اما خودرو به همراه زن و فرزندش به دره سقوط کرده‌ است.

سرهنگ «سعید بالاش زز»، رئیس پلیس آگاهی استان کهگیلویه و بویراحمد در تشریح این پرونده گفت: با توجه به موقعیت محل تصادف و همچنین اظهارات ضد و نقیض راننده خودرو و نظریه افسر کارشناس پلیس راه در صحنه و برابر اعلام ریه‌ساز مشخص شد که تصادف ساختگی است، بنابراین بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی استان قرار گرفت و برای بررسی موضوع اکیبی متشکل از کارآگاهان اداره آگاهی استان، بازپرس شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب یاسوج، به همراه تعدادی از کارشناسان تصادفات و راننده خودرو در محل وقوع حادثه حاضر شدند.متهم پس از حضور در محل حادثه و بیان اظهارات متناقض به اداره آگاهی استان منتقل شد و در بازجویی‌های اولیه به عمدی بودن این تصادف اعتراف کرد و گفت: من و همسرم با هم اختلاف شدیدی داشتیم. در روز حادثه همسر و فرزند خردسالم را سوار بر خودرو کردم و با صحنه‌سازی و تصادف ساختگی که سه کیلومتری بیرون از روستا، خودرو را از کوه‌ها به سمت دره‌ها بردم و خودم را از خودرو پایین انداختم که با توجه به شدت جراحات و صدمات وارده بر اثر تصادف دو نفر در دم فوت کردند.

رئیس پلیس آگاهی استان در پایان با اشاره به اینکه متهم انگیزه خود را از قتل اختلافات خانوادگی عنوان کرد، خاطر نشان کرد: متهم پس از تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی و روانه زندان شد.

کارشناسان اسلحه‌تایید کردند

قتل زن جوان در هتل ۵ ستاره

گروه حوادث/ با گذشت نزدیک به ۲ ماه از کشف اجساد زن و مردی جوان در یکی از اتاق‌های هتل اسپیناس نظریه کارشناس سلاح حکایت از آن دارد که زن جوان به قتل رسیده‌ است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ساعت ۱۶سه‌شنبه، چهارم شهریورماه آغاز شد زمانی که یکی از خدمه هتل اسپیناس پالاس در سعادت‌آباد تهران برای نظافت به یکی از اتاق‌ها در طبقه ششم رفت اما با جسد خونین زن و مردی جوان مواجه شد.

گزارش کشف اجساد بلافاصله به بازپرس جنایی پایتخت اعلام شد و تیم جنایی راهی محل حادثه شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد که زن جوان از دوروز قبل در این اتاق اسکان داشته اما هویت مرد همراهش مشخص نبود.

در نزدیکی اجساد اسلحه‌ای قرار داشت و روی بدن زن و مرد جوان آثار گلوله به چشم می‌خورد. در ادامه مأموران در کنار اجساد، ۲ دست نوشته پیدا کردند که در آن از خانواده و اطرافیان‌شان حالایت طلبیده بودند.

نخستین فرضیه‌ای که از سوی پلیس مطرح شد این بود که آنها باهم دست به خودکشی زده‌اند اما در ادامه فرضیه قتل از سوی فردی ناشناس و قتل زن به دست این مرد و سپس خودکشی او نیز مورد بررسی قرار گرفت. با شروع تحقیقات مشخص شد مرد جوان از سگنان نزدیک همسر این زن بوده‌ است. به دستور بازپرس جنایی اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد تا علت مرگ مشخص شود و همچنین کارشناسان اسلحه‌ وارد عمل شدند تا راز این مرگ‌ها برملا شود. در ادامه تحقیقات پزشکی قانونی اعلام کرد که علت مرگ زن و مرد جوان شلیک گلوله بوده‌ است. همچنین کارشناسان سلاح اعلام کردند که روی دست زن جوان آثاری از باروت به چشم نمی‌خورد. این موضوع ثابت می‌کرد که او خودکشی نکرده بلکه به قتل رسیده‌ است. باتوجه به اینکه شخص دیگری وارد اتاق آنها در هتل نشده‌ بود، این فرضیه قوت گرفت که مرد جوان پس از شلیک به زن و قتل او خودش را کشته‌ است.

این در حالی‌ است که خانواده‌ زن جوان با حضور در دادسرا از عامل این جنایت شکایت کرده و مدعی شدند که دخترشان با وجود دوفرزند مدت‌هاست که با همسرش اختلاف داشته‌ است.

کلاهبرداری به بهانه کار در منزل

گروه حوادث/ مرد شاید که با تبلیغ در یک سایت اینترنتی با عنوان «کار در منزل» از زنان کلاهبرداری می‌کرد از سوی پلیس دستگیر شد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل زنی جوان با مراجعه به پلیس فتا کرمان از یک کلاهبرداری خبر داد و گفت: به‌دنبال کار بوم‌د که در یک سایت آگهی اینترنتی با آگهی استخدام کار در منزل مواجه شدم بلافاصله پیامی به آدرس تلگرامی که در زیر آگهی آمده بود ارسال کردم و عضو کانال شدم سپس پیامی از مدیر کانال دریافت کردم که از من خواسته بود ۴۰۰ هزار تومان به‌شماره کارتی که داده بود واریز کنم من هم پول را ریختم تا برایم توضیحات لازم درباره کار را بفرستند اما پس از واریز پول هرچه منتظر ماندم خبری نشد و آیدی تلگرام نیز حذف شد.

سرهنگ امین یادگارنژاد، رئیس پلیس فتا استان کرمان در تشریح این خبر اظهار داشت: پس از شکایت این زن رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت و با انجام تحقیقات پلیسی و با بررسی‌های به عمل آمده متهم شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ یادگارنژاد ضمن هشدار به مردم گفت: اگر با چنین تبلیغاتی مواجه شدید و به‌دنبال کسب درآمد از طریق مشاغل پاره‌وقت هستید قبل از واریز هرگونه وجه، حتماً صحت و سقم این مشاغل اطمینان حاصل نمایید و ضمن هوشیاری و دقت لازم در خصوص آگهی‌های کار در منزل مانند بسته‌بندی کالا، چسباندن پاکت‌های هدیه و مواردی از این قبیل، بسیار مراقب باشید، زیرا احتمال کلاهبرداری در این‌گونه موارد وجود دارد.